

**قرمزها** از **کشیدن قلیان**

**منع شدند**

**جهان‌نیوز:**چندی‌پیش مدیرعامل پرسپولیس به بازیکنان این تیم گفت تا سه روز پیش از بازی حق ندارند قلیان بکشند. حبیب کاشانی، مدیر عامل باشگاه پرسپولیس در جلسه‌ای با بازیکنان این تیم، از آنان خواست تا ۷۲ ساعت قبل از بازی قلیان نکشند، چرا که طبق اعلام، این امر اثر منفی بر دستگاه تنفسی بازیکنان داشته و بازیکن را با افت تنفسی مواجه می‌کند. کاشانی با نام بردن چند تن از بازیکنان سرشناس و اشاره به تجارب آنان می‌گوید اگر قرار است با این بازیکنان حرفه‌ای بازییم که دیگر نیازی به این نام‌ها نداریم، لطف کنید و ۷۲ ساعت پیش از بازی قلیان نکشید.■

**آقای دلار به خاطر هاپیوست**

**ایستا:** اسماعیل داورفر، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون در سن ۷۶ سالگی درگذشت. او که طی سال‌های اخیر از بیماری ریج می‌برده است، ۱۴ اردیبهشت ماه بر اثر عارضه قلبی در گذشت. داورفر در سال ۴۹ با بازی در فیلم «آقای هالو» به کارگردانی داریوش مهرجویی فعالیت هنری خود را آغاز کرد و با بازی در فیلم‌ها و مجموعه‌هایی تلویزیونی چون «صادق کرده»، «سرایدار»، «دلی جان ناپلئون»، «دلبران تنگستان»، «سلطان صاحبقران»، «غبار نشین‌ها»، «تاتوره»، «کیکل اول»، «سایه همسایه»، «آقای دلار»، «افسون»، «لنگرگاه»، «زیر بام‌های شهر»، «آقای بخشدار»، «مهری بی بی»، «تحفه هندا»، «روزهای خوب زندگی» و «تعطیلات تابستانی» به فعالیت خود ادامه داد. ■

**منصور رشیدی در بیمارستان بستری شد**

**فارس:** مربی دروازه‌های تیم فوتبال سایپا در بیمارستان آتیه بستری شد.

منصور رشیدی در جریان مسابقه تیم‌های سایپا و پرسپولیس، ذقایی پس از باز شدن دروازه نارنجی‌پوشان با حمله قلبی مواجه شد. اعضای سایپا بلافاصله او را با آمبولانس حاضر در ورزشگاه به بیمارستان آتیه منتقل کردند. شب پس از بازی، این مربی در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد و فردای آن روز به بخش منتقل شد. رشیدی به دستور پزشک خود تا اطلاع ثانوی باید در بیمارستان بستری باشد. ■

**مشارکت «بر ادیپت» در ساخت فیلم سرگذشت اعتیاد**

**ایستا:**شرکت فیلم‌سازی پلان‌بی با مدیریت «براد پیپس» هم‌راه با «پارامونت پیکچرز» تهیه فیلم «سرگذشت اعتیاد» را برعهده گرفتند.

این فیلم براساس فیلم‌نامه‌ای از «دنیوید شف» وپرش «نیک‌شف»مقابل دوربین خواهدرفت. داستان فیلم «سرگذشت اعتیاد» دربارهٔ یک پدر و پسر معنادار است. پدر سعی دارد با کمک به فرزندش او را از این گرداب نجات دهد. فیلم‌نامه قبلی «شف» باعنوان «پسرزبیا» که ابتدا یک کتاب از آن منتشر شد، نیز با مضمون اعتیاد به نگارش درآمده است. ■

**کاشف ال اس دی درگذشت**

**همشهری آنلاین:**آلبرت هوفمان، شیمی دان سویسی که داروی توهم‌زای ال‌اس‌دی را کشف کرد، در ۱۰۲ سالگی درگذشت. به گزارش خیرگزاروی روترز، «انجمن چندرشته‌ای تحقیقات توهم‌زاهامستقر در کالیفرنیا در وب‌سایت خود اعلام کرد، هوفمان که مدافع خواص طبی این ماده بودو آن را «بچه‌درسرآفرین»خودمی‌نامید، بر اثر حمله قلبی در خانه‌اش در شهر پازل در سوییس درگذشته‌است. هوفمان که در ۱۱ ژانویه ۱۹۰۶ به دنیا آمده بود، ال‌اس‌دی یا لایسرتریک اسید دی‌اتیل آمید – که بعدها به داروی مورد علاقه ضد فرهنگ دهه ۱۹۶۰ بدل شد – را در سال ۱۹۳۴ هنگامی کشف کرد که در جریان یک تجربه آزمایشگاهی مقداری اندک از آن را به طور اتفاقی مصرف کرد. پس از وارد شدن دارو به بدن او دچار بی‌قراری شدید به همراه سرگیجه خفیف شد و مجبور شد کارش را متوقف کند. او بعدها در کتابش با نام «ال‌اس‌دی– بچه درسرآفرین من» درباره تجربه مصرف اتفاقی این ماده نوشت: «در حالتی رویاگونه، با چشمانی بسته (نور روز چشمانم را آزار می‌داد) جریان بلاانقطاعی از تصاویر خیالی، اشکال غیرعادی با نمایشی کالبدیوسکوپی از رنگ‌ها را تجربه می‌کردم. پس از دو ساعت این حالت برطرف شد.» چند روز بعد هوفمان عمده‌انه مقداری ال‌اس‌دی را مصرف کرد و اولین «سفر» را که واکنش غیر معمول و نشویش آورن شد، به این دارو است را تجربه کرد. در دهه ۱۹۶۰ تیموتی لیری، مدرس سابق دانشگاه‌هاروارد در آمریکا موجب رواج یافتن این ماده در میان جوانان و ضد فرهنگ هیپی‌ها در این کشور شد. اما هوفمان معتقد بود که هیپی‌ها در انداز کم‌ماده سوءاستفاده می‌کنند و به تولید آن به عنوان یک دارو ادامه داد. با وجود ممنوع شدن در آن زمان، هوفمان همچنان اعتقاد داشت که این ماده می‌تواند استفاده دارویی داشته باشد و برای شناسایی و درمان بیماری‌هایی مانند اسکیزوفرنی به کار رود. امید او در سال‌های آخر عمرش به حقیقت پیوست و او شاهد تجدید حیات پیوت‌ها در باره استفاده از این ماده در روان‌درمانی‌ها شد. ■

**علت مرگ مرضیه باباعباسی، قایقران ۳۶ساله تیم لرستان، همچنان در هاله‌ای از ابهام**

# قایقی که بی‌سرنشین شد

**دیگر مرگ برای همه ما عادی شده، چه مرگ یک کارتن خواب باشد و چه احمد سالار یک ورزشکار؛ تنها تفاوتش**

**این است که چند روزی به مرگ ورزشکار می‌پردازیم و چند ماه بعد شاید بسیاری از ما نام آن ورزشکار تازه درگذشته را به یاد نیاوریم. باز هم مرگ ورزشکار دیگری رقم خورد و نه تنها اعضای یک تیم بلکه سه فرزند نیز داغدار شدند. ۱۲ اردیبهشت ماه ساعت ۱۷ بود که «مرضیه باباعباسی» قایقران تیم لرستان که سال پیش نیز با هم تیمی‌های خود در دریاچه آزادی واژگون شدند و چند نفر از آنها دچار مصدومیت شدند، پس از پایان رقابت‌های دو هزار متر در ناحیه دست خود احساس درد کرد و با مراجعه به مسوولان از نامساعد بودن شرایط جسمانی‌اش خبر داد اما پزشک حاضر در ورزشگاه پس از معاینه ابتدایی و دادن آب او را راهی خوابگاه آزادی کرد.**

این ورزشکار ۳۶ ساله ساعتی بعد دوباره احساس درد شدید در معده و بی‌حسی دست راست کرد و بی‌هوش شد و همراهان وی در ساعت هفت و نیم شب متوجه وخامت حال او شده و او را به نزدیک‌ترین درمانگاه واقع در دهکده المپیک یعنی درمانگاه کیمیا منتقل کردند و پزشکان حاضر نیز پس از معاینه گرفتگی عضلات را دلیل احساس درد باابعباسی عنوان کردند و به او آمپول شل کننده عضله تزریق می‌کنند، به او اکسیژن وصل می‌شود و شرایط عمومی‌وی تا حدی بهبود می‌یابد اما به علت خراب بودن دستگاه شوک این درمانگاه ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه با اورژانس تهران تماس گرفته می‌شود اما آمبولانس با دو ساعت و ۱۵ دقیقه تاخیر در حالی که تا پیش از رسیدن آنها علایم حیاتی در باابعباسی مشاهد می‌شد، به محل رسیدند اما این تاخیر سبب شد تا وی جان خود را از دست بدهد.

در این فاصله دو ساعت و ۱۵ دقیقه‌ای با شرکت آمبولانس خصوصی هم تماس گرفته می‌شود و آنها زودتر از اورژانس تهران به محل می‌رسند اما به علت وخامت حال بیمار و نداشتن تجهیزات لازم از بردن وی امتناع می‌کنند. رییس فدراسیون قایقرانی، دبیر و رییس کمیته دراگون بت هم در محل حاضر بودند و برای کمک نیز با پلیس ۱۱۰ نیز تماس گرفته شد اما با پیگیری ماموران ۱۱۰ نیز آمبولانس باز هم دیر به محل رسید که دیگر کار از کار گذشته بود. پس از درگذشت مرضیه باباعباسی، اظهارنظرهای متفاوتی درباره علت مرگ او ابراز شد اما جملگی اورژانس تهران را در این زمینه مقصر می‌دانستند.

**دستگاه شوک خراب بود**

سبک فرزام‌خواه، مسوول روابط عمومی فدراسیون قایقرانی بلافاصله پس از این حادثه گفت: «به دنبال فوت این ورزشکار، فدراسیون قایقرانی ایران با گرفتن وکیل طرح شکایت خود را از درمانگاه مجموعه آزادی به دلیل سهل‌انگاری در تشخیص اولیه بیماری، درمانگاه کیمیا به دلیل نداشتن امکانات لازم و اورژانس تهران به دلیل به موقع حضور نیافتن در محل و سهل‌انگاری در خصوص رسیدگی به بیمار انجام داده و پس از بررسی نهایی این شکایت برای رسیدگی تحویل دادگاه شد.»

او تأکید کرد که به گفته پزشکان درمانگاه کیمیا، اگر در همان ساعات اولیه‌ای که حال عمومی باباعباسی بد شده بود به بیمارستان مراجعه کرده یا اورژانس تهران یا همان تماس اول به محل می‌رسید، احتمالاً این ورزشکار فوت نمی‌کرد.

**اورژانس مقصر نبود**

سایر مسوولان فدراسیون قایقرانی نیز اظهارات مشابهی را کردند و پس از این اظهارات مسوول واحد کنترل کیفیت اورژانس تهران در واکنش به این اظهارات گفت: «طبق آیین‌نامه، درمانگاه‌ها موظف هستند که امکانات لازم برای احیا و همچنین آمبولانس برای اعزام بیماران خود را در اختیار داشته باشند. از طرف دیگر، آمبولانس اورژانس تنها می‌توانست بیمار را به نزدیک‌ترین بیمارستان انتقال دهد، درحالی‌که نزدیک‌ترین بیمارستان در فاصله ۱۰ متری درمانگاه کیمیا واقع در دهکده المپیک قرار دارد.»

دکتر عبداللهی با اشاره به بخشنامه معاونت سلامت گفت: «در سال ۸۵ از طرف معاونت سلامت بخشنامه‌ای، به تمام درمانگاه‌های کشور ابلاغ شد که طبق آن همه درمانگاه‌ها باید مجهز به آمبولانس بوده یا با یک مرکز خصوصی برای انتقال بیماران قرارداد داشته باشند. همچنین طبق آیین‌نامه کلیه درمانگاه‌ها باید امکانات لازم برای احیای بیماران از جمله دستگاه دی‌سبی شوک را در اختیار داشته باشند که در ظاهر، درمانگاه مورد نظر دراین باره کواتهی کرده است.»



دکتر عبداللهی با اشاره به اینکه پنج ساعت و نیم از لحظه اتفاق تا رسیدن این قایقران به درمانگاه گذشته بود، گفت: «آیا برای این پنج ساعت و نیم کسی نباید پاسخگو باشد. پزشکانی که این بیمار را ویزیت کرده و یک نوار قلبی از وی نگرفته‌اند، نباید پاسخگو باشند. آیا درمانگاه نباید جوابگو باشد که چرا طبق بخشنامه معاونت سلامت آمبولانس نداشته است.»

مسوول واحد کنترل کیفیت اورژانس تهران گفت: «اورژانس تهران به درمانگاه‌ها سرویس می‌دهد اما این یک لطف است. آیا یک ارگان به دلیل انجام ندادن یک لطف باید به این شکل در اذهان عمومی زیر سوال برود. آیا باید زحمات اورژانس تهران که روزانه ۹۵۰ تا ۱۰۰۰ ماموریت انجام داده و از این تعداد ۵۰۰ نفر را به بیمارستان‌ها انتقال می‌دهد زیر سوال برود. این بی‌اعتمادی که در حال حاضر در ذهن مردم ایجاد شده چطور باید از بین برود؟ در حالی‌که در لحظات بحرانی ارگانی غیر از ۱۱۵ پاسخگو نیست.»
نیاید دکتر عبداللهی در پایان تأکید کرد: «نیاید با بی‌انصافی زحمات یک ارگان زحمتکش که تمام خدمات آن رایگان است، در این چنین اتفاقی که باید بررسی شود و مقصران آن شناسایی شوند، زیر سوال برود.»

**متهم یا مظنون معرفی خواهد شد**
از سوی دیگر، بازپرس شعبه پنجم دادرسی جرایم پزشکی دستور تحویل جسد دختر قایقران را به پزشکی قانونی برای بررسی قصور احتمالی را داد.

علی عبداللهی درباره پرونده مرگ مرضیه باباعباسی اظهار داشت: «پس از ارجاع پرونده به این شعبه، دستور تحویل جسد به پزشکی قانونی برای تعیین علت مرگ داده شد و از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها، مسوولان برگزارکننده مسابقه، رییس هیات قایقرانان لرستان و خواهر متوفی که یکی از قایقرانان شرکت‌کننده در این مسابقه است، به عنوان مطلع برای انجام تحقیق دعوت به عمل آمد.»
وی با تأکید بر اینکه متهم یا مظنونی در این پرونده شناسایی نشده است، گفت: «به کلاتری ۱۲۱ شهرک راه‌آهن دستور داده شده تا از مسوولان آن درمانگاه، مسوولان درمانگاه ورزشگاه آزادی و آمبولانس مستقر در مجاورت دریاچه آزادی که از سوی فدراسیون پزشکی اعزام شده، تحقیقات به عمل آورد. دستورات لازم برای ارسال کپی از گزارش در صورتجلسه آمبولانس و معاینات در درمانگاه نیز به منظور تشخیص علت مرگ و قصور به پزشکی قانونی ارسال شد.»

بازپرس شعبه پنجم دادرسی جرایم پزشکی، با اشاره به این‌که اولیای دم با حضور در کلاتری شکایت کرده‌اند، گفت: «در صورت این‌که پزشکی قانونی علت مرگ را ناشی از قصور پزشکی تشخیص دهد، متعاقباً دستورات برای بررسی قصور احتمالی ارگان‌های ذی‌ربط صادر خواهد شد.»

حسینی با بیان این توصیه که از پزشکان متخصص در رشته ورزشی خاص در زمان مسابقات دعوت به عمل آید، اظهار داشت: «متهم یا مظنونان معرفی خواهد شد.» وی همچنین با اشاره به روند طی شده برای درمان باباعباسی گفت: «حسب‌ادعای مسوول هیات قایقرانی لرستان دستگاه شوک این درمانگاه کار نمی‌کرده است که این ادعا در حال بررسی است.»

در حالی‌که هنوز هم اظهارنظرها درباره فوت «مرضیه عباسی» ادامه دارد، اینکه چه کسی مقصر است هنوز مشخص نیست، پزشک حاضر در مسابقات؟ مسوولان درمانگاه کیمیا؟ دستگاه شوکی که خراب بود یا اورژانس تهران؟ شاید چند ماه دیگر مقصر سرانجام معرفی شود اما پس از فراموشی این ماجرای تلخ و غم‌انگیز قرعه به نام کدام یک از ورزشکاران شورمان می‌افتد که او نیز بر اثر تقدیر، سهل‌انگاری یا قصور برای آخرین بار خیرساز شود؟ ■

شماره صدوشت‌وهشت | شنبه بیست‌ویک اردیبهشت‌ماه هشتادوهفت

**هنر، رسانه و سلامت**
**دکتر مصطفی جلالی‌نخر**

**مافیای سیگار در سینما**

سینما در کنار همه شور و خیالی که به زندگی‌های ما ارزانی داشته، با زندگی‌های سینمایی‌اش، وسوسه‌هایی نیز به جان ما انداخته است؛ به خصوص جوانان و الگو پذیرندگانی که چشم به ستارگان محبوب خود دوخته‌اند. آن روی سکه سینما گاهی به خوبی این روی دیگرش نیست که بر پرده‌های نقره‌ای زندگی می‌کند. همچنان با وجود قوانین سخت‌گیرانه‌تر سال‌های اخیر، سینما در تبلیغ سیگار بیشتر عمل کرده تا احیاناً هشدار نسبت به آن. اولین و بزرگ‌ترین تبلیغات سیگار با حضور «مارلون براندو» در فیلم «اتوبوسی به نام هوس» اتفاق افتاد و با «پدرخوانده» ادامه یافت. «کارلر گیبِل» هم با سیگار برگ گوشه لبش در ذهن‌ها ماندگار شد. سه موفقه ثابت جوان‌پسند «جیمز دین» در همه فیلم‌هایش، سیگار بود و تی‌شرت سفید و جین آبی. «همفری بوگارت» در همه فیلم‌هایش با چنان مهارت و لذتی سیگار می‌کشید که خیلی‌ها را به هوس می‌انداخت، به ویژه در فیلم اسطوره عاشقانه «کازابلانکا». فیلمی که همه چیزش دوست داشتنی شد؛ از جمله سیگار کشیدن‌های بوگارت. هالیوود هیچگاه نتوانسته از وسوسه نمایش سیگار کشیدن و حواشی آن برای شکل‌دهی بخشی از پازل شخصیت‌ها و فیگورسازی آنها چشم ببوشد. مهم نیست که آدم بد‌ها سیگار بکشند یا خوب‌ها، مهم شیوه سیگار کشیدن آنها و موقعیت‌هایی است که به‌طور عمده جلوه فروشانه‌اند. بعد است آمار دقیقی در دست باشد که چند نفر با دیدن این فیلم‌ها به سیگار روی آورده‌اند و سلامت خود را از دست داده‌اند. جالب این است که آنها به این جور فیلم‌ها درجه R می‌دهند که به معنای منع نمایش برای زیر شانزده سال است، در حالی‌که آسیب پذیرترین گروه در این زمینه تا ۱۷ تا ۲۵ ساله‌ها هستند. بی‌گمان شرکت‌های سیگار هم در پشت پرده این فیلم‌ها حضور پررنگی دارند. محض نمونه مشخص شده که شرکت براون و ویلیامسون بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳، حدود یک میلیون دلار برای استفاده از سیگار «کول» در صحنه‌هایی از ۲۲ فیلم، پول پرداخت کردند.محض نمونه «سیلوستر استالونه» ترتیبی داد که این محصول در پنج فیلم متعلق به شرکت فیلم‌سازی او حضوری موثر داشته باشد (از جمله در راکی ۴ با بازی خودش) و در مقابل مبلغی معادل پانصد هزار دلار به صورت هدایای گران قیمت به او پرداخت شد. بعداً «پل نیومن» و «شون کانری» هم برای خوب سیگار کشیدن در فیلم‌هایی که بازی کرده‌اند، هدایای گران‌قیمتی از شرکت تولید کننده آن مارک سیگار گرفتند. چرا آنها حاضر به پرداخت چنین مبالغ گزافی هستند؟! چون نرپیشه‌های محبوب، بهترین مشوق جوانان هستند؛ مشتاقانی که با تقلید بخشی (یا همه) رفتارهای سوپر استارها، خود را جای آنان می‌نشانند. خیلی‌ها گمان می‌کنند که با شبیه‌گری نوع سیگار کشیدن بوگارت در کازابلانکا، می‌توانند شور دلچسب عاشقانه آن فیلم را تجربه کنند. غافل از

آنکه این خیال، خیلی زود در هیاهوی واقعبیت رنگ می‌یازد اما واقعبیت تلخ اعتبار به سیگار، بر سلامت آنها چنگ انداخته است. ■

**بهترین مقاله را انتخاب کنید**

**۱۶۸۳۰۲**
**۲۰۰۵۲۸**

**رسانه‌ها و آسیب‌های اجتماعی**

امروزه گسترش توسعه رسانه‌ها به حدی است **دکتر مجید سلطانی** که دوران حاضر را عصر ارتباط نامیده‌اند. مک‌لوهان دنیا را با مفهوم «دهکده جهانی» می‌شناسد و می‌گوید وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه در تاریخ انسان پدید آورند؛ نسلی که با نسل‌های پیشین بسیار متفاوت است. از تأثیرات منفی رسانه‌ها، «معتاد شدن» به معنی عام کلمه است. در بسیاری از موارد انسان‌ها چنان به رسانه‌ها معتاد می‌شوند و به آنها اعتماد می‌ورزند که در ساعت معین به آن نیازمند می‌شوند و تاخیر یا فقدان آنها، موجب از بین رفتن تعادل افراد را می‌شود و خشیاانه را به نمایش درمی‌آورند. هر گاه افراد مهتمند خشونت و متنبان این‌ها، موجب خواهد شد که ذهن دچار کرختی شود و فرد در جریان حوادث همچون پرکاهی روی سیلاب خروشان ناخوسته بی‌اراده به این‌سو و آن‌سو کشیده شود. یکی از موضوعات مهمی که رسانه‌ها به آن می‌پردازند، خشونت و پرخشنگری است. متأسفانه اغلب رسانه‌های گروهی هر روز بیش از پیش فیلم‌های خشن و خشیاانه را به نمایش درمی‌آورند. در حالی‌که خشونت‌های خشن چنین نمونه‌هایی را در روزنامه یا مجله بخوانند یا در فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی ببینند، تا حدود زیادی تمایلات درونی آنها به اعمال خشونت افزایش می‌یابد. نشریه نیوزوک در این‌باره می‌نویسد، همین چند سال پیش چه کسی تصور می‌کرد که پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمایی انسان «روان رنجوری» را نشان می‌دهد که نه تنها زنان را می‌کشد بلکه آنها را پوست می‌کند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که فیلم‌های سینمایی، تلویزیونی و ویدئویی از عوامل بسیار موثر در کژ رفتاری و برهکاری جوانان هستند. نمایش اعمال خشونت‌بار، کشتار، جنایت و خون‌آشامی در فزونی و تشدید کجرویی‌ها تأثیر به سزایی دارد. البته باید توجه داشت که همه تماشاگران به یک اندازه تحت تأثیر فیلم‌های بدآموز قرار نمی‌گیرند بلکه با توجه به آموخته‌ها و تجربه‌های پیشین برداشت‌های گوناگونی دارند. هنگامی که افراد به تماشای فیلم می‌روند دارای ضمیری چون «لوح سفید» نیستند بلکه بیش از آن زمینه انفعالی پیدا کرده‌اند که انتخاب نوع فیلم، دلیل اندیشه پیش ساخته آنان است. به‌طور کلی، دو نظریه در این زمینه وجود دارد. گروهی معتقد به تأثیر «روان‌پالایی» یا همان تخلیه هیجانی و پالایش روح انسان از طریق برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی هستند و گروه دیگر از پیروان نظریه «تقلید» هستند. گرچه برای اثبات این دو نظریه، شواهدی در دست است ولی نظریه دوم طرفداران بیشتری دارد. اما در این میان برخی از روان‌شناسان به نقش روان‌درمانی رسانه‌ها توجه می‌کنند. بر این عقیده‌اند که مطبوعات و رادیو و تلویزیون و سینما با انتشار اخبار و داستان‌های جنایی و پلیسی، بسیاری از بیماران روانی را که عقده‌های سرکوب‌شده تمایلات خشونت‌آمیز و ناخودآگاه دارند، درمان می‌کنند زیرا افرادی که در شرایط نامساعد زندگی می‌کنند، برای جبران ناگامی‌ها و شکست‌های خویش ممکن است دست به اعمال خشن و ناشایست بزنند. این افراد، هر گاه نمونه‌های چنین اعمالی را در روزنامه یا مجله بخوانند یا در فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی تماشا کنند تا حدود زیادی تمایلات درونی آنان به اعمال خشونت، ارضا می‌شود و از قید دلهره‌ها و اضطراب‌های روحی رهایی می‌یابند. علاوه بر نقش روان درمانی سینما و تلویزیون و ویدئو چنانچه برنامه‌های این وسایل ارتباطی فقط شامل فیلم‌های جنایی متضمن قتل و غارت‌و‌کشت و کشتار باشد، ممکن است روحیه ماجراجویی و درنده‌خویی را در کودکان و نوجوانان بیدار کنند و آنها را به سوی عوامل ضداجتماعی سوق دهند. ■